Ettelaat Newspaper
* اطّلاعات *
۱۳۰۵

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۱۸ شوال ۱۴۴۵
۲۷ آوریل ۲۰۲۴ سال نودوهشتم * شماره ۲۸۶۵۴

ettelaat.com ettelaatonline

احادیث اخلاقی

آیت‌الله‌العظمی حسین مظاهری

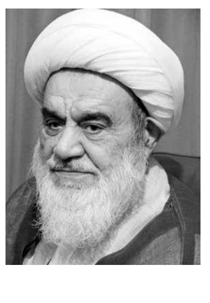

فضیلت انتقاد

جامعهٔ عقلانی آن است که انتقاد داشته باشد؛ یعنی اگر دیدند کسی از نظر گفتار یا کردار عیبی دارد یا گناهی مرتکب می‌شود، در تنهایی، آن هم با مهربانی و از سر خیرخواهی نصیحتش کنند. امام حسن عسکری(ع) فرمود: کسی که برادرش را پنهانی نصیحت کند، او را آراسته و اگر آشکارا نصیحت کند، او را مخدوش ساخته است. انتقاد بدون سرزنش، بالاترین ثواب را دارد. امام صادق(ع) فرمود: «**أحبُّ اخوانی الیّ، مَن أهدی الیّ عیوبی:** بهترین برادر برای من کسی است که عیوبم را به من هدیه کند»، عیبم را به من بگوید. سورهٔ لقمان روش موعظه، امر به معروف و نهی از منکر و روش انتقاد سالم و سازنده را آموزش می‌دهد: «**وإذ قال لقمانُ لإبنه و هو یَعظُهُ:** یاد کن هنگامی را که لقمان به پسرش در حالی که وی را اندرز می‌داد، گفت: **یابُنیَّ لاتُشرك بالله إنّ الشرك لظُلمٌ عظیم:** ای پسرک من، به خدا شرك میاور که به راستی شرك ستمی بزرگ است» (لقمان، ۱۳). لقمان به فرزندش نصیحت می‌کند و او را از شرك بازمی‌دارد؛ اما نصیحتش با مهربانی است و شکل موعظه دارد. جملات «و هو یعظُهُ» و «یا بُنیّ»، در این آیه، معترضه است، یعنی بدون این دو جمله نیز معنا تمام بود؛ اما قرآن با این جملات به ما می‌آموزد که پند و اندرز باید با مهربانی و جملات محبت‌آمیز باشد، با سخنان و حرکات آمرانه و با اتخاذ موضع بالا همراه نگردد. به عبارت دیگر، اصلاح دیگران که یك وظیفهٔ دینی و ملی است، باید با تواضع، مهربانی و بدون تندی، تنش، طعنه و سرزنش صورت پذیرد. همچنین از عبارت «**إنّ الشرك لظُلمٌ عظیم**» می‌فهمیم که نصیحت و موعظه باید با استدلال باشد تا تأثیر بگذارد. نصیحت و موعظه در خانه‌ها و بین اعضای خانواده، باید با چنین روشی باشد. تذکر و نصیحت پدر و مادر به فرزندان یا زن و شوهر نسبت به همدیگر، با صدای بلند و تندی و خشونت، نتیجه ندارد.

اسلام امر به معروف و نهی از منکر دارد و برای انتقاد صحیح ارزش قائل شده است؛ اما غیبت ندارد، تهمت ندارد، شایعه و سرزنش ندارد. اینها گناهان بزرگی است، ولی در بین مردم کوچك شمرده می‌شود. گاهی انسان به عنوان لقلقهٔ زبان سخنی می‌گوید و خیال می‌کند چیزی نیست، در حالی که نزد خدا خیلی بزرگ است: «**وتحسبونهُ هَیّناً و هو عند الله عظیم:** پنداشتید که کاری ساده است با اینکه نزد خدا بس بزرگ بود» (نور، ۱۵).

اگر انسان با گناهکاری مواجه شود و بداند او آدم بدی است، باید با تحقق شروط آن، امر به معروف و نهی از منکر کند، باید به روشی که بیان شد از وی انتقاد کند؛ اما حق ندارد اهانت کند. کسی حق اهانت و سرزنش مجرم را ندارد، ولو محکوم به اعدام باشد. کسی نمی‌تواند غیبت کند یا تهمت بزند. گناه تهمت از غیبت خیلی بزرگ‌تر است؛ چون هم دروغ است هم غیبت؛ دروغش که دشمنی با خداست، غیبتش هم دشمنی با مسلمان‌هاست که آن هم دشمنی با خداست. این در حالی است که بیشتر حرفهای رایج بین مردم غیبت نیست، تهمت است، شایعه است و حقیقت ندارد! برخی به راحتی با جملهٔ «چنین می‌گویند»، تهمت می‌زنند یا شایعه پراکنی می‌کنند. از این دست شایعه‌ها و تهمت‌ها و دروغ‌ها در روزنامه‌ها و سایت‌ها فراوان است.

شادابی جامعه

اگر به راستی انتقاد در جامعه‌ای باشد، علاوه بر اینکه ثواب فراوانی دارد، آن جامعه و مردمش زنده و موفق خواهند شد؛ اما متأسفانه انتقاد واقعی در جامعهٔ ما بسیار کم است. مهمتر آنکه انتقادپذیری هم بسیار نادر است. کسی که خوشش بیاید عیبش را بگویند و تشکر هم بکند، کجا پیدا می‌شود؟ قرآن می‌فرماید: «**فبشّر عباد:** مژده بده به بندگان من: **الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه:** آنها که به سخن گوش فرامی‌دهند و از بهترینش پیروی می‌کنند. **أولئك الذین هَداهُمُ الله:** اینانند که خدایشان راه نموده **و أولئك هُم أولوا الألباب:** و ایانان هستند که خردمندند» (زمر، ۱۷-۱۸). اینجا قرآن به افراد انتقادپذیر که حرفها را می‌شنوند و بهترینش را برمی‌گزینند، بشارت می‌دهد. معمولاً ما این طور هستیم که اگر تعریف بشنویم، خوشمان می‌آید، اما چنانچه انتقادی بشود، ناراحت می‌شویم، تأثیر هم نمی‌پذیریم، یعنی خود را اصلاح نمی‌کنیم.

انتقاد بکنیم، انتقادپذیر هم باشیم، اما مواظب زبانمان باشیم که سرزنش، تحقیر، توهین و شکستن شخصیت دیگران در کار نباشد. طبق حدیث قدسی، اهانت به دیگران جنگ با خداست: «**مَن أهان لی ولیاً، فقد بارزنی بالمُحاربه**». بر اساس روایت امام صادق(ع) که به تجربه نیز اثبات شده است، سرزنش اثر وضعی دارد؛ یعنی همان سرزنش به سرمان می‌آید. مثل ظلم است که به خود انسان برمی‌گردد: «**یا أیها الناس انّما بغیُکُم عَلی أنفُسکُم:** ای مردم، سرکشی شما به زیان خودتان است» (یونس، ۲۳)؛ سرزنش نیز مرتبه‌ای از ظلم است و به سرزنشگر برمی‌گردد.

شرط مسلمانی

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «**من أصبح لا یهتمّ بأمور المُسلمین، فلیس بمُسلم:** هر که صبح کند و اهتمامی به امور مسلمان‌ها نداشته باشد، مسلمان نیست!» در روایات متعدد برای کسی که نسبت به خلق خدا بی‌اعتنا باشد و هنگام نیاز و گرفتاری دیگران، با اینکه توانایی دارد، یاری و گره‌گشایی نکند، گناهان بزرگی بار شده است. اسلام به اعتباری، دو قانون دارد: «مساوات» و «مواسات». معنای قانون «مساوات» این است که همه در برابر قانون یکسانند؛ مثلاً اگر گفته شده: نماز بخوانید، همهٔ مسلمان‌ها و از جمله شخص پیامبر(ص) باید نماز بخوانند و در این خصوص تفاوتی بین اشخاص نیست.

و معنای قانون «مواسات»، همدردی، برادری و دیگرخواهی است. بر اساس این قانون، مسلمان‌ها باید به فکر یکدیگر باشند و نیاز همدیگر را برآورند و در گرفتاری‌ها به یاری هم بشتابند. به قول قرآن: «**لِیُنفق ذوسعه من سعته و من قُدرَ علیه رزقُهُ فلیُنفق مما آتاهُ الله:** توانگر باید از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی‌اش تنگ باشد، باید از آنچه خدا به او داده خرج کند» (طلاق، ۷). قانون مواسات همان است که سعدی می‌گوید:

بنی آدم اعـضای یکـدیگرنـد   که در آفرینش ز یک گوهرند
تو کز محنت دیگران بی‌غمی   نشاید که نامت نهند آدمی

ابان بن تغلب می‌گوید همراه امام صادق(ع) طواف می‌کردم. شخصی با من کار داشت و صدایم کرد، جواب ندادم. بار دوم صدا کرد، باز هم جواب ندادم؛ امام فرمود: «او با توست؟» گفتم: بله، فرمود: «چرا نمی‌روی جوابش را بدهی؟ طواف را رها کن و با او برو.» گفتم: «حتی اگر طواف واجب باشد؟» فرمود: «آری.» همین ابان در روایت دیگری می‌گوید امام صادق(ع) فرمود: «روا ساختن نیاز مؤمن بهتر است از طوافی و طوافی» و تا ده طواف شمرد. این حداقل ثواب برای گره‌گشایی از مؤمنان است. در روایات، گاهی فرموده‌اند خدمت به خلق خدا و دستگیری از نیازمندان، ثواب یك حج و عمره دارد. گاهی می‌فرمایند: «ثواب آن معادل بیست حج و عمرهٔ مقبول است». گاهی ثواب ده تا هفتاد حج برایش شمرده‌اند و حتی ثواب هزار حج مقبول و مبرور نیز برای این امر مهم در روایات ذکر شده است.

«حج مقبول» کم است، شاید یك درصد هم نباشد. حج مسلمان‌ها معمولاً صحیح است و رفع تکلیف می‌کند و ثواب هم دارد؛ اما حج مقبول و مبرور بسیار کم است. در روایات پاداش خدمت به خلق خدا، دست کم یك حج و عمرهٔ مقبول است. این ثواب‌ها استحقاقی نیست، بلکه تفضلی است، به این معنا که این ثواب‌ها را می‌دهند تا مردم برای خدمت کردن ترغیب شوند. کیفر کوتاهی در خدمت به خلق خدا نیز شدید است. در روایتی آمده: کسی که بتواند احتیاج دیگران را رفع کند و گره از کار مردم بگشاید، اما در این خصوص کوتاهی کند، او را به صف محشر می‌آورند در حالی که رویش سیاه است، چشمهایش از ترس گود افتاده و در غل و زنجیر است؛ خطاب می‌شود: «او خائن به خدا و خائن به رسول خداست»، سپس امر می‌شود: «او را به جهنم بفرستید!» این مجازات برای این است که او می‌توانست گره از کار مردم بگشاید و نگشود. گره‌گشایی و کمك به دیگران، الزاماً نیاز به پول هم ندارد، یك قسم آن کمك مالی است.

مقاله

حضرت زهرا(س)؛ سرآمد بانوان اهل ادب

ادبیات مسیحی عرب گنجینه‌ای سرشار از مدایح خاندان رسالت و اظهار ارادت به ایشان است. نمونه‌هایی تحسین برانگیز که کمتر در زبان فارسی معرفی شده‌اند. مجموعه «سرّ دلبران» نمونه‌هایی از این دلبستگی معنوی است که درباره هر کدام از معصومان به روایت گروهی دیگر از پیروان ادیان ابراهیمی تدوین شده است. متن زیر گزیده‌ای است از کتاب مربوط به حضرت فاطمه(س) به قلم کشیش و فیلسوف معاصر لبنانی

دکتر میشل کعدی

ترجمه دکتر حسین مهتدی

مقاله
تاریخی

تاریخ اسلام شخصیت‌های برجسته دینی و انسانی را در خود جمع کرده است؛ به طوری که تأثیر به‌سزایی در ترسیم موضوعات مهم و سرنوشت‌ساز دارند. این بزرگان با ایمانی که به خدا و اسلام در طول زندگی داشتند، موجب هدایت مردم شدند. آنان همچون نور و چشمه‌ای در وجود انسان هستند و در طول عصرها جاودان باقی خواهند ماند. کسی که درباره زندگی اهل بیت پژوهش می‌کند، می‌تواند کرامت و اصالت و اوصاف کریمانه را در آنان بیابد، اوصافی که قرآن کریم آنها را به عنوان آموزه‌های اسلامی و مکتبی قرار داده است.

حضرت زهرا(س) از چنین مکتبی است که اوج حقانیت را مجسم کرد. او نخستین زن معلم و ادیب و خطیب در جامعه بود و مردان و زنان زیادی شاگردش بودند. او در تاریخ اسلام به عنوان پیشرو و الگو ظاهر شد و به دلیل جایگاه دینی و انسانی‌اش توانست رویدادهای مهم اسلام را شاهد باشد، روزهایی سخت؛ اما با شجاعت و اراده قوی و منطق انسان مؤمن و برهان قاطع با آن روبرو شد. هنگامی که با دقت زندگی کوتاه او و شخصیتش را بررسی می‌کنیم، جنبه‌های وسیعی از تاریخ دینی و فرهنگی و بلاغی ایشان برایمان آشکار می‌شود.

بعد از دستیابی به منابع مهم، برآن شدم تا درباره زهرا(س) سخن بگویم. مستشرقان و پژوهشگران و مورخان از این شخصیت بزرگ که روح پاکی در او متبلور شده است، شگفت‌زده شده‌اند. من تلاش کردم تا زندگی آن حضرت را به تصویر بکشم و از خدای بزرگ خواستم تا در نوشته خود منصف باشم و به این آیه عمل کرده باشم: «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید» (نساء، ۵۸).

زن هنگامی که سرزندگی و قدرت و آرمان‌گرایی را در شخصیت خود داشته باشد و به عبارتی یك زن نمونه باشد، بی‌گمان به طور مساوی برای مرد و زن سرمشق خواهد بود؛ زیرا قرآن هنگامی که راهبردهای کلی اسلام را ترسیم می‌کند، تنها از مرد سخن نمی‌گوید، بلکه از مرد و زن مؤمن می‌گوید. (رك: احزاب، ۳۶). صحبت فاطمه(س) با مردان و زنان مؤمن این است که با عقل و دل و احساس و گفتار و کردارشان از دین پیروی کنند؛ همان طور که او برای اسلام و فایده رساندن به دیگران چنین بود. آیا او گویندهٔ این سخن نیست: «**الجار قبل الدّار:** نخست همسایه، سپس اهل خانه»؟ چه بسیار درس پایداری در موضع‌گیری و شکیبایی در امور سخت را که از زهرا(س) آموختیم. هنگامی که زندگی او را مرور می‌کنیم، نشاط اجتماعی و ایستادگی‌اش در کنار امام علی(ع) و رویارویی‌اش با ستم، به ذهن خطور می‌کند و از این‌گونه مواضع، اجازه شرعی ورود زن در عرصه سیاسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی را درمی‌یابیم.

برخی گفته‌اند او در سال پنجم قبل از بعثت متولد شد و هشت سال با پدرش در مکه زیست، سپس به مدینه هجرت کرد و دو سال بعد به ازدواج علی(ع) درآمد. اجماع قطعی است که او کوچکترین دختر رسول خداست و از صفات و اخلاقی ممتاز در سطح جهانی برخوردار است؛ صفاتی که خدای بزرگ آن را ویژه او کرده و پیامبر(ص) در حدیثی مفصل به این موضوع اشاره فرموده: «**...یا فاطمه، لاتحزنی فإن الله عزوجل أرحم بك وأرأف علیك منّی وذلك لمکانك منّی و موضعك من قلبی:** فاطمه، اندوهگین مباش؛ زیرا خدا از من به تو مهربان‌تر است و این به خاطر جایگاه تو در نزد من است و اینکه در قلبم جای داری.»

عنایت خدای بزرگ به فاطمه، با سلام ملائکه و درود خدا به واسطه جبرئیل شروع شد و این نشان‌دهنده شرافت، اهمیت و عظمت او در دنیای انسان‌هاست. خطیب بغدادی و ابن حجر هیتمی در الصواعق المحرقه می‌گویند: «**إن الله سمّاها فاطمه لانّه فَطَمها و مُحبیها عن النار:** خدا او را فاطمه نامید، زیرا او و دوستدارانش را از آتش جهنم دور نگه داشت». دیلمی از ابوهریره نقل می‌کند: «**إنّما سُمّیت فاطمه لأن الله فطمها و محبیها عن النار:** او فاطمه نامیده شد؛ زیرا خدا او و دوستدارانش را از آتش جهنم دور نگاه داشته است.»

آن حضرت را «زهرا» نیز نامیده‌اند؛ زیرا به رنگ سفید متمایل به صورتی بود. همچنین گفته‌اند: پیامبر(ص) او را زهرا نامید؛ زیرا او برای اهل آسمان می‌درخشید، همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند و این درخشش به خاطر عبادت و زهد و نمازش بود. نَووی در شرح صحیح مسلم می‌گوید: «تَبتّل» یعنی به طور کامل جداشدن و به عبادت پرداختن، و مریم و فاطمه به خاطر عبادت در راه خدا، از زنان و زمانشان جدا شدند و به «**بتول**» آوازه یافتند؛ و از آنجا که از دروغ دور بودند و همواره به راستی سفارش می‌کردند، «**صدیقه**» نام گرفتند؛ و چون فرشتگان با فاطمه صحبت می‌کردند، به «**محدثه**» شهرت یافت.

امیرالمؤمنین(ع) در سال دوم هجری، بعد از جنگ بدر با او ازدواج کرد و مهریه را زره خود قرارداد. آنها صاحب فرزندانی همچون حسن، حسین، ام‌کلثوم و زینب شدند.

جایگاه حضرت فاطمه(س)

حضرت زهرا(س) نزد مسلمانان جایگاه وصف‌ناپذیری دارد. مردم اتفاق نظر دارند که جایگاه او نزد خدا والاست و بر همه زنان دنیا برتری دارد. دین اسلام او را با لقب «**سیده نساء العالمین**» (سرور زنان جهان) از دیگر متمایزکرده است و فقط حضرت مریم و عده بسیار اندکی از زنان در این عظمت با او شریک هستند. جای شگفتی نیست که جایگاه و عظمت فاطمه(س) از اهل بیت گرفته شده است، زیرا او مادر امامان معصوم است؛ از این رو بعد از پدر و همسرش، از نظر جایگاه در مرتبه دوم قرار دارد. از نظر اهل سنت نیز دختر پیامبر(ص) «سرور زنان جهان» است که به همراه پدرش رنج کشید و با وجود سن کم از او دفاع کرد.

رسول خدا(ص) به او فرمود: «**حسبُكِ من نساء العالمین مریم وآسیه و خدیجه و فاطمه:** برای تو بس است که از سروران زنان جهانی و آنان چهار نفرند: مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه».

و فرمود: «**خیر نساء العالمین أربع: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه:** برترین زنان جهانیان چهار تن هستند: مریم، آسیه، خدیجه، فاطمه» و فرمود:

- **أحبّ أهلی إلیّ فاطمه:** محبوب‌ترین خویشاوندانم به من، فاطمه است.
- **سیده نساء أهل الجنه فاطمه:** سرور زنان بهشت، فاطمه است.
- **فاطمه! إن الله یغضب لغضبك:** ای فاطمه، قطعاً خدا از خشم تو خشمگین می‌شود.
- **المهدی من عترتی من ولد فاطمه:** مهدی که از عترت من است، از فرزندان فاطمه است.
- **فاطمه أنت أول أهل بیتی لحوقاًبی:** فاطمه، تو نخستین شخص از اهل بیت من هستی که به من ملحق می‌شود.
- **فاطمهُ بَضعهٌ منّی؛ فمن أغضبها، أغضَبنی:** فاطمه پاره تن من است و هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین می‌کند.

و فرمود: هنگامی که قیامت برپا شود، منادی ندا درمی‌دهد: **یا أهل الجمع، غُضّوا أبصارکم حتی تَمَرَّ فاطمه:** ای اهل محشر، چشمانتان را فروبندید تا فاطمه عبور کند.

اخلاق فاطمی

زهرا(س) از اخلاق و کمال پدرش تأثیر پذیرفت؛ از این رو از نظر اخلاق و سخن و مکارم اخلاقی، شبیه‌ترین مردم به پیامبر(ص) بود. شریفانه، نجیبانه، بسیار خوشبو، خویشتندار و آرام، به دور از جلوه‌های خودپسندی زیست و به طور خلاصه در راستی و پاکی و بخشندگی و پاکدامنی، خدا و فرشتگان را خشنود می‌کرد و ایشان از همان اهل بیتی هستند که خدای بزرگ درباره جایگاه آنان می‌فرماید: «**انّما یُرید الله لیُذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یُطهرکم تطهیرا:** جز این نیست که خدا می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و کاملاً پاك و پاکیزه‌تان سازد» (احزاب، ۳۳). زهرا(س) سرمشق زنان است و بانوان درستکار در او متجلی شده‌اند تا آنجا که همسر پیامبر(ص) گفت: «هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر پدرش را».

حضرت زهرا(س) در مدت حیات خود گوشه‌نشین نبود. او زنان مهاجر و انصار را به حضور می‌پذیرفت و با مردانشان گفتگوهای عمیقی کرد و پیرامون موضوعات اجتماعی حرف زد. بر اساس این موضع‌گیری‌ها می‌بینیم که او در طول حیات خود در کنج خلوت زندگی نکرد و آنچه در مدت عمر کوتاهش انجام داد، از مواضع اجتماعی او در امور مختلف پرده برمی‌دارد.

در برخی جنگها پدرش را همراهی می‌کرد. مورخان نوشته‌اند روزی که رسول خدا(ص) در جنگ اُحُد زخمی شد، علی(ع) با سپرش آب آورد و زخم حضرت را شست؛ ولی خون بند نیامد. در این هنگام چهره زهرا درهم شد و پدر را در آغوش گرفت و به گریه افتاد؛ سپس بوریایی را سوزاند و خاکسترش را بر زخم نهاد، در نتیجه خون جوشان بندآمد.

او در طول حیات جز به راستی کاری انجام نداد، برای همین به «صدیقه» ملقب شد و جز به حقیقت سخن نگفت. بعد از وفات پدر نیز با همه توان به اثبات اسلام اقدام کرد و از حق امام علی(ع) درباره خلافت دفاع کرد. وی همچون خطیبی توانا و مبارزی بزرگ مواضعش را بیان کرد. نه چون علی همسرش بود، بلکه برای اینکه او امیر مؤمنان است و پرچم حق را برافراشت و حق با اوست و در حب خدا و جهاد در راه او شجاعانه و بی‌مثال ذوب شده بود. زهرا می‌گفت: «علی به تنهایی می‌تواند پایه‌های حق و عدالت و دانش را محکم کند» و هنگامی که از او سؤال شد: «چرا علی را مقدم می‌داری؟» پاسخ داد: «این که او از همه بی‌نیاز است، ولی همه به او نیازمند هستند، دلیلی است بر اینکه او امام همه است.» این است بُعد اجتماعی زنی با ایمانی راسخ به خدا که با اهل معرفت به گفتگو می‌پرداخت و آنان را قانع می‌کرد. مواضع مصلحانه او نمایانگر اخلاق و معنویت او و انسجام عقلانی‌اش است.

نخستین زن نویسنده در اسلام

زهرا(س) به علم و احادیث پیامبر(ص) توجه داشت و بر احکام اسلام و معارف و آموزه‌های آن مسلط بود. مطالبی را که پدرش می‌فرمود، ثبت می‌کرد؛ همان طور که از پیامبر روایت شده: فاطمه از پرسش حسن بهره می‌برد. این چیزی است که از حدیث والای «حریره» و همچنین از جایگاه مصحف او فهمیده می‌شود. از آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که وی نخستین زن نویسنده در اسلام به شمار می‌آید و در این زمینه بر دیگر زنان پیشی جسته؛ زیرا او اولین کسی است که احادیث رسول خدا(ص) را ثبت کرد. او آنچه را شناخت، گفت؛ اما بعداً کسانی برای هدف مشخصی، از جمع‌آوری و نوشتن احادیث ممانعت کردند.

> زن هنگامی که در شخصیت خود سرزندگی، قدرت و آرمان گرایی داشته باشد و به عبارتی زنی نمونه باشد، به طور مساوی برای مرد و زن سرمشق خواهد بود؛ زیرا قرآن هنگامی که راهبردهای کلی اسلام را ترسیم می‌کند، تنها از مرد سخن نمی‌گوید، بلکه از مرد و زن مؤمن می‌گوید. صحبت حضرت فاطمه(س) با مردان و زنان مؤمن این است که با عقل و دل واحساس و گفتار وکردارتان از دین پیروی کنید

برخی آیات و روایات از اهمیت و منزلت حضرت زهرا گفته‌اند. این سخنان احترام همه جانبه و گرامیداشت و بزرگداشت او را اثبات می‌کند؛ بنابراین در گذشته و اکنون مسلمانان با وجود اختلاف برنامه‌ها، طوائف، سلائق و مذاهب، همگی بر عظمت آن حضرت اتفاق نظر دارند؛ زیرا شخصیت پیامبر(ص) و ویژگی‌های او را در خود داشت، به طوری که انس بن مالك گفت: «هیچ کس شبیه‌تر از حسن بن علی و فاطمه به پیامبر(ص) نبود.»

در بزرگداشت شخصیتی که جای هیچ تردیدی در آن نیست، تابعین صدر اسلام و صاحبان صحاح و مسانید مانند بخاری، مسلم، بَغوی، ابن عبد ربه و ابن حجر (صاحب الصواعق المحرقه) و دیگر افراد برجسته از آن حضرت به نیکی یاد کرده‌اند. از طریق علم و ادب آن حضرت، دانشمندان نشست‌های متعددی برگزار کردند و زبان به مدح علم و محبت او گشودند. به سبب علمی که او با آن ممتاز شد، مسلمانان نیز از احادیث و گفته‌ها و خطبه‌هایش تأثیر پذیرفتند؛ به ویژه خطبه فدکیه.

حضرت زهرا(س) قبل از اینکه برای خودش زندگی کند، برای جامعه و مسلمانان زندگی کرد. قبل از اینکه غمخوار خود باشد، غمخوار دیگران بود. او انسانیت را به زیبایی تمام و در بالاترین سطح، عینیت بخشید و هر چه داشت، با طیب خاطر می‌بخشید. به هنگام دعاها، افراد را یك به یك نام می‌برد. یك بار پسرش حسن پرسید: «چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟» پاسخ می‌داد: «پسرم، همسایه بر اهل خانه مقدم است!» بر این اساس، او قبل از اندیشیدن به خود، به دیگران می‌اندیشید. او چون به دردهای دیگران توجه داشت، درد خود را فراموش کرد. و این نبود مگر به خاطر معنویتی که درونش را پر کرده و مادیات و خودخواهی را از یادش برده بود؛ پس با عشق الهی مردم را پند می‌داد و می‌گفت هر کس آفریدگار را دوست بدارد، نمی‌تواند همنوعانش را دوست نداشته باشد و متذکر می‌شد: «**الخلق کلهم عیال الله و احبّهم الی الله، انفعهم لعیاله:** همه مردم عیال و نانخور خدا هستند و دوست داشتنی‌ترین آنان کسی است که به خانواده خدا بیشتر سود برساند.»

آن حضرت به مردم آموزش می‌داد؛ چنان‌که امام عسکری(ع) می‌گوید: زنی نزد فاطمه رفت و گفت: مادر ناتوانی دارم که برایش سؤالی درباره نماز پیش آمده است و مرا خدمت شما فرستاده تا بپرسم. فاطمه پاسخ سؤال او را داد. زن دوباره پرسید و آن حضرت پاسخ داد و برای بار سوم و تا ده بار پرسید و حضرت پاسخ داد. زن از فراوانی سؤال شرمنده شد، گفت: «دختر پیغمبر، تو را اذیت نمی‌کنم!» فاطمه(ع) گفت: «باز هم بیا و هر چه سؤال داری، بکن. اگر کسی را اجیر کنند تا بار سنگینی را از ارتفاعی بالا ببرد و در مقابل، صدهزار دینار مزد بدهند، آیا باز هم این عمل سخت خواهد بود؟» زن گفت: نه.

ابن مسعود روایت می‌کند: مردی خدمت فاطمه رسید و گفت: «ای دختر رسول الله، آیا [پیامبر سخنی را نزدت] باقی گذاشته است به من بفرمایی؟»، حضرت به خدمتکار فرمود: «آن نگاشته را بیاور.» زن به دنبال آن نگاشته رفت؛ ولی آن را نیافت. حضرت فرمود: «آن نگاشته ارزشی معادل حسن و حسین برای من دارد!» پس آن را یافت و گفت پیامبر(ص) می‌فرماید: «کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نیست؛ از مؤمنان نخواهد بود. هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، همسایه‌اش را اذیت نمی‌کند. هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سخن خوب بگوید یا ساکت باشد. خداوند انسان بردبار عفیف را دوست دارد و بدگوی بخیل بسیارخواهندهٔ مُصرّ را دشمن می‌دارد...»

مردی نابینا از فاطمه(ع) اجازه خواست تا وارد خانه‌اش شود. حضرت چهره خود را پوشاند، پیامبر فرمود: «چرا چهره‌ات را پوشاندی، او که تو را نمی‌بیند؟» گفت: «اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم و او می‌تواند بو را استشمام کند.» پیامبر(ص) فرمود: «شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی.»

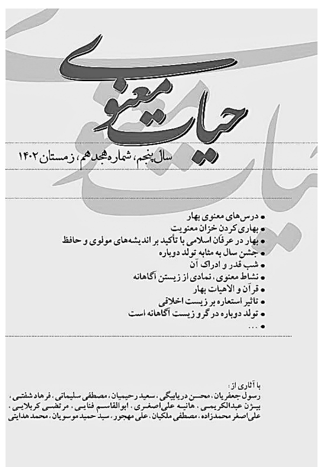

مجموعه کتاب‌های «سردلبران»
میشل کعدی
به کوشش و اهتمام: دکتر عباس خامه‌یار
نشر ایران   چاپ اول: ۱۴۰۲

در مجموعه «سرّ دلبران» به قلم نویسنده توانای مسیحی، میشل کعدی، سیره اهل بیت(ع) در نگاه ادیان مسیحی مورد بررسی قرار گرفته است. کعدی جایگاه ویژه‌ای اهل بیت(ع) را قدیس می‌نامده و خود را از ادای حقشان عاجز می‌داند.

زهرا(س) سرآمد بانوان اهل ادب

ترجمه دکتر حسین مهتدی
۲۷۲ص- ۱۲۰هزار تومان

این کتاب معرفی فضایل حضرت زهرا(س) و مقاومت در برابر دشمنانی است که می‌کوشیدند تا آنها را منکر شوند. در این مجلد به موضوعات مختلفی مانند نقش اجتماعی حضرت زهرا(س)، خطبه‌ها، جایگاه و منزلت حضرت، زهرا(س) در نگاه رسول خدا(ص)، عبادت، عصمت و کرامت حضرت زهرا(س) به عنوان مکتبی برای بشریت، مصائبی که بر او وارد آمده و نحوه شهادت حضرت. در پایان کتاب قصیده‌ای مشتمل بر ۴۲ بیت، در مدح و ستایش منزلت حضرت زهرا(س) آمده است.

در پیشگاه امام حسن مجتبی(ع)

ترجمه دکتر جواد محمدزاده و دکتر بهروز قربان‌زاده
۱۶۸ص- ۹۵هزار تومان

مولف ضمن شرح و تفسیر این باور که امام حسن(ع) مایه استواری دین اسلام است، بحثی در مورد زندگی، مشی و فضایل آن حضرت دارد، سپس علم و معرفت ایشان، ایستگاه‌های الهی و بشری، خطبه‌ها، موهبت‌های خدا به امام و سفارش‌های ایشان را تحلیل می‌کند و در فصل‌های پایانی صلح امام، مفاخره حضرت و مردانی از قریش را شرح داده و به شام پایانی شهادت ایشان رسیده است.

در مقدمه می‌خوانیم: «امام حسن مردم را بدین سخن که برای خداوند یگانه متحد باشید، آموزش داد. سپس به آنان عشق و وفا و دوستی و دستگیری از تنگدستان و یاری بی‌سرپرستان و رانده شدگان را آموخت. این است پسر علی و فاطمه که خود و دودمانش از آتش جدا شده‌اند. پارسایی که به پاکی معروف است. آیا می‌توان پس از پی بردن به چنین جایگاهی برای سبط اول، فراموشش کرد یا از او دست کشید؛ کارهای بزرگی که او بدان دست زد، گواه شخصیت والا و برجسته اوست؛ شخصیتی که به تقوا و استقامت و عدالت متمایز است...»

امام حسین(ع) الگویی از یک پیام

ترجمه دکتر محمدمهدی طاهری
۱۸۴ص- ۹۵هزار تومان

نویسنده در این کتاب، در هفده بخش کوشیده زندگی پربرکت امام حسین(ع) را در بستری سیاسی، اجتماعی و دینی برای نسل امروز واکاوی کند. او می‌نویسد: «اگر حسین نبود، هرگز اسلامی در کار نبود. این حسین بود که رسالت پیامبر را کامل و به اتمام رساند. زمانی که امام حسین را با حضرت مسیح مقایسه کردم، هرگز تفاوتی نیافتم. همان گونه که یکی از کاردینال‌ها گفته بود: درد و رنجهایی که حضرت مسیح به خود دید، یك دهم درد و رنجهای امام حسین نیست. اندیشه حسینی فقط گفتار نبود، امری مقدس بود که جنبه‌هایی تماماً الهی و انسانی در آن متبلور بود. او را باید بزرگ‌ترین معلم تمام بشریت دانست...»

اینك عناوین بخشهای هفده‌گانه کتاب: پرتوی از زندگی امام حسین(ع)، ارزش‌های امام و فضایلش، تمسك جستن در آیین‌ها و اصول حسینی و دفاع از آنها، دلیری امام و ویژگی‌هایش، مواضع و جایگاه امام حسین(ع) در گذشته و اکنون، ایثارگری‌ها و فداکاری‌های حسین(ع)، دین بر دوش و عهده امام حسین(ع) است، پاکی و طهارت حسین(ع)، سخنان و خطبه‌های حسینی در کربلا، شورش مردم و قبایل علیه امام، آنچه در مورد حادثه کربلا گفته شده است، تراژدی‌ها و فجایع کربلا، بزرگی مصیبت و سوگ حسینی، شهیدان خاندان نبوت در کربلا، درنگ‌گاه‌هایی مهم در زندگی امام با شاعران، جهانی بودن امام حسین(ع) در میان ادیان و مذاهب.

امام زین‌العابدین(ع) و اندیشه مسیحیت

ترجمه دکتر سعیده شریفی
۲۱۶ص- ۹۵هزار تومان

مؤلف در این کتاب به تبیین جایگاه حضرت سجاد(ع) در عصر آن امام و تأثیرات ایشان بر تفکر اسلامی در طول قرنها و بیان ویژگی‌های شخصیتی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و تبلیغی ایشان پرداخته است. آنچه در این کتاب مورد توجه بوده، یافتن ابعاد مشترك بین تفکر مسیحیت و منظومه فکری امام زین‌العابدین و بیان اشتراکات برای نشان دادن یگانگی گوهر ادیان ابراهیمی است.

سخنانی پیرامون اسلام، بیان حرکت انسان از جهل به سوی علم، معرفت، محبت و روابط صحیح انسانی و پیوندهای والایی که برای رسیدن به آزادی و آزادگی است و خداوند از روی محبت آن را برای بشر ترسیم کرده، جزء محتوای این کتاب است. او می‌گوید: «هنگام نوشتن کتاب، مسیح را رو بروی خود می‌دیدم! انگار که در مورد او می‌نوشتم و بیست بار گریستم.» این کتاب در پنج بخش تدوین یافته است: پرتوهایی از زندگی امام، امام زین‌العابدین در پرتو اندیشه مسیحی، صحیفه سجادیه و دعاهای آن، رهبری آرمانی و امام سجاد پیشرو انسانیت.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «در برابر حوادث و مصائب، امام به اندیشه دعوت‌کننده به دعا پناه می‌برد و به واسطه حکمت وعده دهنده، جانب آرامش و سکوت را حفظ می‌کند. او بنیان‌هایی را پایه‌گذاری می‌کند که جامعه از هم پاشیده را به کمك تحولات جدید حاصل از آمادگی برنامه‌ریزی شده اصلاح می‌کند. این روش به سبب طرح‌ریزی پیشتاز برای مسلمانان مؤثر واقع شد. ایشان اندیشه‌های نوینی در حوزه تثبیت اندیشه اسلامی مطرح کرد.»

حیات معنوی

هجدهمین شماره این نشریه را که در ترویج زیست اخلاقی- عقلانی بهتر و حیات معنوی برتر می‌کوشد، منتشر شد. در این شماره می‌خوانیم: قلمرو و شیوه‌نامهٔ مجله؛ سخن نخست سردبیر (علی باقری فر)؛ درسهای معنوی بهار، ابوالقاسم فنایی؛ بهاری کردنِ خزان معنویت، فرهاد شفتی؛ بهار در عرفان اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های مولوی و حافظ مرتضی کربلایی؛ جشن سال به مثابه تولد دوباره، سید حمید موسویان؛ شب قدر و ادراك آن، سعید رحیمیان؛ نشاط معنوی، نمادی از زیستن آگاهانه، مصطفی سلیمانی؛ قرآن والهیات بهار، علی مهجور؛ تأثیر استعاره بر زیست اخلاقی، محسن دریابیگی؛ تأثیر کاهش خودمختاری حاصل از تقلید بر کاهش مسئولیت‌پذیری اخلاقی، علی اصغر محمد زاده و محمد هدایتی؛ تولد دوباره در گرو زیست آگاهانه است، بیژن عبدالکریمی؛ وارسی و نقد کتاب فلسفه دروغگویی، مصطفی ملکیان؛ درباره رساله باران، رعد، برق و باد، رسول جعفریان؛ مروری بر کتاب انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد نوشته سیدحسین نصر، هانیه علی اصغری.